



## تحلیلی بر بیانیه گام دوم انقلاب



### بیانیه #گام\_دوم\_انقلاب خطاب به ملت ایران به ویژه جوانان

به کوشش احمد محمدی

پژوهشکده شهید صدر

اردیبهشت ۱۳۹۸



اغْتَلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةٍ، لَا عَقْلَ رِوَايَةٍ، فَإِنَّ رِوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ، وَرِعَايَتَهُ قَلِيلٌ.

امام (علیه السلام) فرمود: هنگامی که خبری را می شنوید در آن بیندیشید (و حقیقت محتوای آن را درک نمایید) تا آن را به کار بندید نه اینکه تفکر فقط برای نقل به دیگران باشد، زیرا راویان علم بسیارند و رعایت کنندگان آن کمند.

حکمت ۹۸ نهج البلاغه

## فهرست

۴	مقدمه
۵	ویژگی های بیانیه
۸	نحوه مواجهه با بیانیه و وظایف ما نسبت به بیانیه
۱۰	تحلیل محتوای بیانیه
۱۱	مراحل سه گانه در بیانیه
۱۷	نظریه نظام انقلابی
۱۸	تحقق نظریه نظام انقلابی
۱۸	دستاوردهای نظریه نظام انقلابی
۲۰	جوانان مسئول حفظ و تداوم و تحقق نظریه انقلابی
۲۱	مدیریت جهادی و خودباوری و اتکاء به درون
۲۲	محور مفهوم امید در بیانیه
۲۳	شکل گیری تمدن نوین اسلامی
۲۳	راهکارهایی برای تحقق گام دوم
۲۳	تبیین آرمان ها و اصول بنیادی انقلاب
۲۴	استخراج مولفه ها و اصول مدیریت جهادی
۲۴	تدوین دستاوردهای انقلاب اسلامی
۲۴	بررسی عملکرد مسئولان و مدیران در گام اول
۲۴	تبیین نقش تاریخی جوانان در تحولات بشری
۲۵	سخن پایانی

## مقدمه

پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شمسی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بلاشک مهم‌ترین و بزرگ‌ترین واقعه‌ی عصر حاضر می‌باشد. انقلابی که به ملت و کشور ما عزت نفس داده و سنت‌ها، نظام طاغوتی و نظام سلطه، را برافکنده و ملت ایران را به یک اسوه تبدیل نمود.

انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب دینی و مذهبی بوده و هیچ تفسیر مادی‌ای از این انقلاب قابل پذیرش نمی‌باشد. این انقلاب با این ویژگی‌های بارز و شاخص، آمیدی در دل مستضعفان جهان بوده که حکومت منجی بشریت را آرزو دارند. حرکت به سوی تمدن الهی و حکومت جهانی عدل و عدالت مهدوی، پایانی بر فلسفه‌های مادی حاکم بر عالم می‌باشد. تقسیم جهان بر دو قطبی شرق و غرب پدیده‌ای بود که کمتر کسی باور میکرد که انقلاب اسلامی در کشوری مانند ایران بتواند با شعار نه شرقی و نه غربی با قدرت و شکوه پا به میدان بنهد و کهنگی کلیشه‌های تکراری را به رخ دنیا کشیده و آغاز عصر جدیدی را فریاد بکشد.

و حالا انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه‌ی پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند.

در چنین نقطه‌ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطالعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی<sup>۱</sup> (ارواح‌نفاذ) هست» نزدیک خواهد کرد.

در این میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نهادی که در تمامی مراحل و مقاطع مختلف زمانی پیشتاز پاسداری از انقلاب اسلامی بوده است بر خود فرض میدانند که در رابطه با این بیانیه مهم و راهبردی بایستی انجام رسالت پاسداری را به جد پیگیری باشد.

لذا، دانشگاه جامع امام حسین (ع) به عنوان دانشگاه رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وظیفه خود را جهاد علمی میدانند تا زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی باشد. شناسایی مسائل جامعه، انقلاب و نیازهای کشور و ارائه راهکاری برای حل مشکلات جزو وظایف دانشگاه بوده و با عنایت به انتشار بیانیه گام دوم یکی از وظایف مجموعه‌ها و نهادهای مختلف فهم دقیق این سند راهبردی و تعیین نسبت دقیق مجموعه خود با بیانیه می‌باشد.

پژوهشکده شهید صدر بر آن است تا در این نوشتار با استفاده از نظرات اساتید و صاحب نظرانی چون آیت الله مصباح یزدی، حجت السلام میرباقری، حجت الاسلام خسرو پناه، حجت الاسلام پناهیان و دکتر محمد حسین رجبی دوانی تحلیل کلی از بیانیه ارائه نماید تا قدمی هر چند کوچک در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب برداشته باشد.

با توجه به اینکه نظرات اساتید محترم غالباً به صورت سخنرانی بوده است لذا سعی این نوشتار بر آن بوده که همه مطالب ارائه شده در یک جمع بندی مناسب و با ترکیب صحیح یک نگاه دقیق و تحلیل کلی از بیانیه را برای فهم مخاطب ارائه نماید.

در این نوشتار البته تلاش شده بدون دخل و تصرف ماهوی در مطالب اساتید با ترکیب و دسته بندی و با هدف ایجاد فهم دقیق و روان سازی مطالب به مخاطب ارائه تا به فهم بیانیه کمک نماید. ضمناً تاکید بر پیشنهاد راهکارهای عملیاتی برای تحقق بیانیه نیز جزو تلاش این نوشتار می باشد.

## ویژگی های بیانیه

این بیانیه که با دقت کامل، ظرافت، حساب شده و با تفکر و تامل تنظیم و نگاشته شده و به یک معنا مانیفیست جمهوری اسلامی است،<sup>۱</sup> جزو اسناد راهبردی انقلاب اسلامی می باشد. سند بسیار مهم و دقیقی که دارای ویژگی هایی می باشد:

### الف) نگارنده بیانیه

یکی از ویژگی های بسیار مهم بیانیه شخصیت نگارنده بیانیه است که دو نکته در خصوص ایشان لازم به ذکر می باشد:

مقام معظم رهبری صرف نظر از موقعیت سیاسی و مقام ولایی یک استاد مبرز و مسلم در حوزه علمی می باشند. استادی ایشان به قبل از انقلاب مربوط می شود. کسی که قبل از انقلاب سطوح عالی حوزه را می توانستند تدریس کنند به طور طبیعی یک استاد حوزه محسوب می شوند و بعد در مقام تبیین و تبلیغ دین نشان دادند که فقط فقیه نیستند بلکه اسلام شناس هستند. به فرموده حضرت امام خمینی (ره) هر کسی فقیه باشد لزوماً اسلام شناس نیست.

در طول پنجاه سال اخیر موضوع و سر فصل هایی که ایشان مطرح نمودند هنوز ابتکاری بوده و جای بحث و طرح دارد. نگاه حکیمانه، جامع نگر، ژرف نگر به مباحث دینی از ایشان شخصیت فکری بی نظیری ساخته است. طرح کلی اندیشه ای اسلامی در قرآن ایشان یک نگاه جامع و همه جانبه به قرآن است. این گونه فهرست نویسی و جامع نگری در میان عالمان دینی بی نظیر است. همچنین انسان ۲۵۰ ساله نیز برداشت بی نظیر ایشان و جامع نگری این شخصیت علمی را نشان می دهد.

سفارش حضرت امام (ره) بعد از شهادت شهید مطهری برای دانشگاهیان در رجوع به مقام معظم رهبری نشان از سر علمیت ایشان بود نه اینکه در این عرصه ایشان یک روحانی فعال باشند.

<sup>۲</sup> حکمت و عقلی که خداوند متعال به ایشان داده از قدیم تاکنون بارها در ایشان مشاهده شده است.

### ب) دور بودن از خطای محاسباتی و عدم انفعال

این بیانیه دچار خطای محاسباتی و دچار انفعال در برخورد با جنگ روانی دشمن نیست. چون وقتی ما بخواهیم انقلاب اسلامی را تحلیل کنیم با یک جنگ روانی شدید مواجه هستیم که تمام دستاوردهای انقلاب اسلامی را ناچیز می گیرد و انکار می کند و برعکس بحران ها و آسیب ها را بزرگ نمایی می کند و انقلاب اسلامی را کوچک می کند و خیلی از تحلیل ها ناشی از گرفتار شدن به این جنگ روانی است.

---

<sup>۱</sup> حجت الاسلام خسرو پناه

<sup>۲</sup> حجت الاسلام پناهیان

ما اگر بخواهیم انقلاب اسلامی را تحلیل کنیم اول باید توجه داشته باشیم که به هیچ وجه تحت تاثیر جنگ روانی دشمن قرار نگیریم و مستقل و فعال در برابر او عمل کنیم.<sup>۳</sup>

### ج) برخورد فعالانه، مستقل با جنگ نرم دشمن

این بیانیه برخورد فعالی در برابر جنگ نرم دشمن داشته و با آن مقابله می کند. و راه مقابله با جنگ نرم دشمن را هم می آموزد. و به همین دلیل ایجاد امید آفرینی و افتخار به گذشته و امید به آینده در این بیانیه موج می زند.<sup>۴</sup>

### د) ساختار شکنانه بودن

ویژگی دیگر این بیانیه، ساختارشکنانه بودن آن و اعلام جهاد رهبری به جوانان برای تمدن سازی است. ساختارهای سنتی خیلی در این مسیر کارآمدی ندارند لذا در این بیانیه مخاطب امر جوانان هستند و از آنان خواسته شده که تلاش جدی کنند تا راهی که انقلاب اسلامی شروع کرده به نتیجه برسد. لذا مخاطب بیانیه نیز متفاوت از سایر بیاناتی است که نسبت به مردم و مسئولین وجود دارد. گویا این جریانی است که با جوانان پیش می رود و با این ظرفیت امیدواری است که بتواند این راه را به نتیجه برساند.<sup>۵</sup>

### ه) ارایه شاخص های جدید

بیانیه برای ارزیابی وضعیت موجود انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، تبیین اهداف انقلاب اسلامی و آسیب شناسی وضعیت موجود و ارایه راه حل ها، شاخص های جدیدی را تولید کرده و برای ارزیابی وضعیت انقلاب در اختیار قرار داده است. که اگر ما بخواهیم با شاخص های مدرن مقایسه کنیم قطعاً دچار اشتباه می شویم و نمی توانیم پیشرفت های انقلاب اسلامی را با شاخص های موجود توضیح دهیم.<sup>۶</sup>

### و) نظریه پردازی اجتماعی بیانیه

این بیانیه، بیانیه بسیار فاخری است و به صرف تجلیل از آن نباید اکتفا کنیم بلکه باید از آن فهم و تحلیل صحیح شود و بر مبنای آن گفتمان سازی و نظریه پردازی های اجتماعی در عرصه های مختلف انجام گیرد. خود این متن هم واجد نظریه اجتماعی دقیقی است و بعد از نظریه پردازی می بایست در عرصه های مختلف راهبرد نگاری در باره آن صورت بگیرد و اسناد راهبردی از جمله الگوی پیشرفت با آن هماهنگ شود. اینها اقداماتی است که باید بر اساس بیانیه انجام بگیرد.<sup>۷</sup>

### ز) سیاست نامه انقلاب اسلامی<sup>۸</sup>

بیانیه صرفاً مانیفست نیست. نه کتاب سبز است و نه کتاب سرخ که در آن اصولی جزئی با نظمی آهنین، چهارچوبی ایدئولوژیک برای حکمروایی تعیین کنند. سند راهبردی و سند سیاست های کلی نیست که در آن مسائل قانونی تعیین شده و راههای برون رفت فهرست شده

<sup>۳</sup> حجت الاسلام میرباقری

<sup>۴</sup> همان

<sup>۵</sup> همان

<sup>۶</sup> همان

<sup>۷</sup> همان

<sup>۸</sup> دکتر حسین شهرستانی

و طرح‌های بدیع ابلاغ گردند. سند چشم‌انداز نیست که آینده‌ای منظور را به دقت ترسیم نموده باشد و داستان تاریخ طی شده را صمیمانه روایت نکند. گزارش عملکرد یا دستاوردها هم نیست که انتظار داشته باشیم توفیق جمهوری اسلامی را در تحقق آمالش به دقت و با جزئیات ارزیابی یا اثبات کند.

نوشتار رهبری گرچه در همه این موارد نکات و دقائقی دارد، در کلیت خویش اینهمه نیست این متن به درستی در یک سنت تاریخی اصیل نوشته شده که نام آن «سیاست‌نامه» است. سیاست‌نامه، چهارچوب عملی و نظری طرح «خرد سیاسی» در یک عصر است. این خرد سیاسی اما همچون فلسفه‌ی سیاسی در مقام انتزاع نیست. از آن سو نسبت به سند راهبردی یا سیاستی در افق بالاتری قرار دارد. سیاست‌نامه، منطق مواجهه با مسایل اساسی سیاست را در یک نظم سیاسی آشکار می‌کند و پرده از الگوی تاریخی نظم آرمانی سیاست برمی‌دارد. راه‌حلها یا راهبردها از درون این منطق و عقلانیت کلان برمی‌آیند. سیاست‌نامه‌ها ماهیتی تجربی دارند و نمود خرد آزموده و عقل عملی یا دانش ضمنی در سیاست‌اند؛ اما با اینهمه از وضع جاری فاصله دارند و لذا چشم‌اندازی از آینده را ترسیم می‌کنند. سیاست‌نامه همچنین از حیث لحن سخن، با سند سیاستی و راهبردی یا گزارش عملکرد و... متفاوت است. لحن سیاست‌نامه لحن انسانی و صمیمانه و حماسی است. به دیگر عبارت سیاست‌نامه همزمان متنی ادبی است که ادیبانه نوشته می‌شود. چه سخن در قالب روایت تاریخی در آن ظاهر میگردد. روایتی که به ظهور اشکال نظم سیاسی، معنایی انسانی میبخشد و آن را به نحو دراماتیک روایت می‌کند.

سیاست‌نامه از دل یک عقلانیت سیاسی آزموده و تثبیت شده که قابل بیان بوده و داستانی برای گفتن داشته باشد برمی‌آید.

گام دوم، سیاست‌نامه‌ای است که پرده از خرد سیاسی انقلاب یا به تعبیر رهبری «نظریه‌ی نظام انقلابی» برمی‌دارد. نظریه‌ای که همزمان انقلابی‌گری و نظم را به عهده گرفته است. نه در نظم جهانی مستحیل میشود و نه بین خود و جهان دیوار می‌کشد. هم پروای منافع ملی را دارد و هم نگران امت اسلامی است. هم بر اصول پای می‌فشرد و هم در برابر تحول منعطف است. اجتهاد او در متن سنت است و اسلامیت او عین جمهوریت.

این همان بنای خرد سیاسی ملی ماست که به هزینه‌های گزاف به دست آمده و در عین سادگی و بساطت، ممتاز و یگانه است. لذا جستجوی راهبردی نو یا پرخشی تازه و سخنی شاد در آن انتظاری بیجا است. این متن روایتی است از خودآگاهی تاریخی یک ملت و گواهی است بر ظهور صورتی نوین از نظم سیاسی به نام «جمهوری اسلامی». نظمی که «متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نوبه‌نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمیکند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند.»

«چرا بماند و چگونه بماند؟» مسأله این است؛ پرسش اساسی هر نظم سیاسی که سیاست‌نامه عهده‌دار طرح آن است. کاری که از دیگر اسناد راهبردی و سیاستی و گزارشی و... بر نمی‌آید.

### ح) جایگاه بیانیه در بین اسناد راهبردی روحانیت شیعه

اگر بخواهیم جایگاه این بیانیه در بین اسناد راهبردی که روحانیت شیعه برای راهبری حوادث اجتماعی فراهم آوردند را ارزیابی کنیم بی تردید این بیانیه جز انگشت شمارها است. به یک معنا حتی قابل مقایسه با «تَبْيِيهُ الْأُمَّةِ» مرحوم نائینی و رساله «حرمت مشروطه» شیخ فضل‌الله نیست؛ چرا که آن‌ها در مقیاس راهبری حوادث ملی هستند؛ اما «گام دوم» در مقیاس راهبری انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حقیقت تأثیرگذار بر جامعه جهانی است.

بسیاری از بحران‌هایی که در جامعه ما وجود دارد و با آن مواجه هستیم ناشی از فقدان استراتژی یا انتخاب ضعیف استراتژی‌ها در شکاف تمدنی بین اسلام و غرب است. که ان شالله این بیانیه بتواند این خلا را پر کند و جلو رفتار زیگزاگی دولت‌ها را بگیرد.<sup>۹</sup>

## نحوه مواجهه با بیانیه و وظایف ما نسبت به بیانیه<sup>۱۰</sup>

با توجه به جایگاه این بیانیه و ویژگی‌های منحصر به فرد آن که بعضاً در این نوشتار بدان اشاره گردید بایستی نحوه درست مواجهه با بیانیه مشخص گردد. برخی از این اصول عبارتند از:

### ۱) مطالعه و بازخوانی بیانیه

مطمئناً مطالعه‌ی دقیق بیانیه در قدم اول ضروری است. بدون «مطالعه و درک بیانیه»، هیچ حرکت صحیحی نمی‌توانیم انجام دهیم. این مطالعه‌ی ویژگی‌هایی دارد. مطالعه باید روش‌مند، عمیق، مسئله‌مند و ناظر به گام‌های عملی باشد.

### ۲) ظرفیت‌سازی برای عملی شدن بیانیه

برای تحقق عملی بیانیه، هم باید وارد عمل شد، هم گفتمان‌سازی کرد و هم از دیگران مطالبه‌گری کرد.

#### الف) عمل به بیانیه

برای تحقق گام دوم، علاوه بر اینکه مخاطب بیانیه را یک امت می‌دانیم، بسیار لازم است که هر کسی مشخصاً خود را مخاطب بیانیه بداند و به دنبال تحقق تک‌تک محورهای بیانیه در عرصه‌ی عمل خود باشد. هر کسی باید نسبت میان گام دوم انقلاب و عرصه‌های فعالیت خود را بسنجد و عمل خود را با معیار تحقق بیانیه تنظیم کند.

#### ب) گفتمان‌سازی

کار رسانه‌ای و هنری برای انتشار هرچه بیشتر مفاهیم متعالی بیانیه، بسیار ضروری است. چرا که تا آگاهی در افکار عمومی ایجاد نشود، گام دوم برداشته نخواهد شد. این سنت الهی است که تا امتی آگاه نشود و اراده نکند، نمیتواند سرنوشت خود را تغییر دهد. «ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم» و «روشنفکری عمومی» که در بیانیه اشاره شده است، نه فقط به عنوان یک دستاورد که خود به عنوان ریشه‌ی دیگر دستاوردها مطرح است.

#### ج) مطالبه‌گری

نظام انقلابی تنها وقتی میتواند رشد کند و بالنده باشد که هم امتی پای کار داشته باشد و هم مراقبت کند تا از قله‌ها و آرمان‌ها فاصله نگیرد. طبیعتاً مدیریت امور روزمره ممکن است هر مسئولی را به خود مشغول کند و باعث شود آرمان‌ها و توصیه‌های ترسیم شده در بیانیه‌ی گام دوم مورد غفلت قرار گیرد. عده‌ای هم هستند که با جهت‌گیری بیانیه‌ی گام دوم انقلاب همراه نبوده و نخواهند بود. عده‌ای هم در عین همراهی، نمی‌دانند چه باید بکنند. مطالبه‌گری از مسئولین - هر کسی که نعمت و فرصتی در اختیار دارد و می‌تواند گامی بردارد - در مواجهه با همه‌ی کسانی که نمی‌دانند و نمی‌خواهند و نمی‌توانند، مفید خواهد بود و ظرفیت تحقق ایجاد می‌کند.

---

<sup>۹</sup> حجت الاسلام میرباقری

<sup>۱۰</sup> رقیه فاضل



## د) تحلیل محتوایی بیانیه

بایستی تحلیل محتوایی از متن بیانیه انجام شود. برای جوانان، دانشگاهیان، حوزویان، مدارس مرتب گفت‌وگو سازی و تحلیل محتوی شود. دوستان وارد آموزش و پرورش شوند و با زبان قابل درک مخاطب این مباحث گفته شود و برای مردم تبیین شود. این بیانیه‌ی امروز و فردا نیست، باید مرتب گفته شود.<sup>۱۱</sup>

## ن) پیشنهاد‌های ساختاری برای تحقق بیانیه

یکی از وظایفی که به خصوص به عهده نخبگان می باشد پیشنهاد ساختارهایی است برای تحقق محتوای این بیانیه در جامعه است. آیا ساختار فرهنگی، اقتصادی، سیاسی پاسخگو و تأمین کننده‌ی این متن هست؟<sup>۱۲</sup>

## ۳) مراقبت از مبانی فکری و اعتقادی انقلاب اسلامی

باری که امام و جانشین شایسته ایشان در چهل سال اول بر دوش کشیدند و نگذاشتند مبانی فکری و اعتقادی انقلاب از ذهن‌ها دور بشود و مورد تشکیک قرار بگیرد، امروز بر عهده ماست. باید در چهل سال دوم تلاش کنیم که در سطوح مختلف جای تشکیکی برای آن‌ها باقی نماند.

ما باید احساس وظیفه کنیم و مطالبی را که در آن زمان به صورت اجمالی به خاطر اعتماد به کلام امام می‌پذیرفتیم با دلیل اثبات کنیم. هنگامی که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دست حضرت علی‌علیه‌السلام را بلند کرد و گفت: من کنت مولاه فهذا علی مولاه، هیچ کس اعتراض نکرد، اما پس از ۷۲ روز، هنوز پیکر پیغمبر روی زمین بود که اصحاب نزدیک پیغمبر این مسئله را مطرح کردند که جانشین پیغمبر را چه کسی باید تعیین کند؟ از یک سو ما وظیفه داریم که با جهل مبارزه کنیم و هر چه می‌توانیم حقایق را روشن تر کنیم تا جای تشکیک در آن نماند. از سوی دیگر نباید بگذاریم که هواپرستان در جامعه اوج بگیرند. نخبگان جامعه باید مسئولیت‌های اجتماعی را بپذیرند و خودشان را آماده کنند تا برای آینده کشور نیرو بسازند. باید برنامه‌ریزی کنند که چه آموزش‌هایی ببینند، چه رفتارها، تمرین‌های عملی و مهارت‌های اجرایی داشته باشند تا بتوانند این بار را به منزل برسانند. اگر ما از این وظیفه غافل بشویم، انقلاب حفظ نخواهد شد. در این صورت نسل آینده ما انقلابی نخواهد شد.<sup>۱۳</sup>

## ۴) مقابله با جهل و نادانی؛ وظیفه نخبگان در گام دوم انقلاب

یکی از تفاوت‌های اساسی گام دوم با گام اول این است که گام اول را به تبعیت امام و با خوشبینی و اعتماد به امام و جانشین امام طی کردیم. اعتماد متدینان ما به سیره امام بود، بسیاری از آن‌ها حدیث و آیه نمی‌دانستند و می‌گفتند: امام فرموده است و دیگر حرف تمام است، اما در آینده معلوم نیست که این وضعیت باقی بماند. ما در سطوح مختلف نیازمند مطالب تبیین شده هستیم و باید این مطالب برای کودکان دبستانی تا جوانان دانشگاهی و فوق دانشگاهی تبیین شود و آن قدر دلیل محکم داشته باشد که شیاطین نتوانند در آن نفوذ کنند.<sup>۱۴</sup>

## ۵) مبارزه با منافقان

<sup>۱۱</sup> حجت الاسلام خسرو پناه

<sup>۱۲</sup> همان

<sup>۱۳</sup> آیت الله مصباح یزدی

<sup>۱۴</sup> همان

وظیفه دیگر مبارزه با هواپرستان است؛ کسانی که دنبال فرصت هستند تا جیب‌شان را پر کنند، دنبال مقامی هستند تا به مقامی برسند؛ حتی گاهی به اسم انقلابی‌گری و پیروی خط امام نیز کار می‌کنند و تا زندگی‌شان می‌چرخد، انقلابی هستند، اما همین که می‌بینند منافعشان در خطر است، یواش یواش کنار می‌کشند. این‌ها دشمنان پشت‌پرده و منافقان این زمان هستند. البته لزومی ندارد که فریاد بزنییم که چه کسی این‌طور است. خداوند نیز خطاب به پیغمبرش می‌فرماید: اگر کسی بگوید در محله و خانه پیغمبر نیز منافقان بودند و دست‌اندر کار بودند، خیلی نباید تعجب کرد. این سنت الهی برای امتحان است، اما باید سران‌فتنه و پشت‌پرده‌ها را شناخت. باید کسانی را که سر و سری با آمریکا و انگلیس دارند، شناخت و در عمل با آن‌ها مواجهه کرد و نگذاشت پیش بیاید؛ البته این کار باید از راه معقول انجام بگیرد، این‌که انسان داد بزند و در جامعه ایجاد اختلاف و تشنج کند، درست نیست. باید از راه معقول و خاموش با دشمنان مبارزه کرد. این‌که فریاد بزنییم که فلانی ضدانقلاب یا چنان است، مشکلی را حل نمی‌کند؛ عوام همه چیز را درست نمی‌فهمند و منافقان شواهدی را درست می‌کنند و اختلاف ایجاد می‌شود. شیطان نیز همین اختلاف را می‌خواهد و وضع بدتر می‌شود. مؤمنان باید بدانند که چه وظیفه‌ای در مقابل منافقان دارند و اجازه ندهند که زمینه برای پیشرفت آن‌ها فراهم بشود؛ البته بدون این‌که سر و صدایی ایجاد کنند و فریاد بزنند و پرده‌داری کنند. در جای خودش نیز بی‌سر و صدا حرفشان را بزنند، رفتار مناسب از خود نشان بدهند، رأیشان را بدهند و نگذارند آن‌ها پیش بیفتند.

با سخنان منطقی، آرام و مؤدبانه کارمان را بکنیم و دیگران را روشن کنیم تا هم رفع جهل شود، هم با راه شیطان و خودپرستی و هواپرستی مبارزه شود.<sup>۱۶</sup>

## تحلیل محتوای بیانیه

تا به امروز تبیین‌های فراوانی از «بیانیه گام دوم» ارائه شده است، اما در تبیین و تفسیر این بیانیه مهم و ویژه باید مراقب بود تا غرق در مباحث نظری و انتزاعی نشد، و تفسیر و تبیین مان مقدمه‌ای باشد برای عمل.

قبل از این تبیین به سه نکته مهم که در روش تبیین این بیانیه لازم است مورد توجه قرار بگیرد اشاره می‌کنیم:

۱. تبیین بیانیه باید روشن‌کننده اهداف بیانیه باشد و نه ریز شدن در متن و اجزاء و متکثر نمودن آن.
۲. تبیین بیانیه باید گامی باشد در عمل و تحقق بیانیه و نه گامی در پیچیده، نظری و انتزاعی کردن بیانیه.
۳. تبیین بیانیه باید همه فهم و روان باشد بگونه‌ای که عموم مردم که مخاطب آن هستند بتوانند با آن ارتباط بگیرند

باتوجه به جامعیت این بیانیه، باید مراقب بود دچار فهم و تفسیر سلیقه‌ای از آن نشد، این بیانیه مشتمل بر موضوعات و مسائل متنوعی از فرهنگ تا اقتصاد، و از تکنولوژی تا سبک زندگی است لذا نباید محو یکی از این حوزه‌ها بدون توجه به دیگر حوزه‌ها شد، بلکه باید فهمی همه‌جانبه و راهبردی و درعین حال عملیاتی از آن بدست آورد.

بیانیه گام دوم مشتمل بر مفاهیم گوناگون و جامعی است، اما باید دریافت که مقصد و هدف از صدور این بیانیه چیست و به دنبال طراحی چه راهبرد جدیدی است.

---

<sup>۱۵</sup> سوره محمد (ص) آیه ۳۰

<sup>۱۶</sup> آیت الله مصباح یزدی

برای این منظور ابتدا باید دریافت این بیانیه ناظر بر چه مسئله اصلی ای صادر شده است. این بیانیه در آستانه چهل ساله دوم انقلاب و ناظر بر چهل ساله اول انقلاب در تلاش برای احیا و بازتولید انقلاب و «نظریه انقلاب» و حرکت پیش به جلوی کشور است. اما این بازتولید انقلاب در شرایط فعلی از چه طریق ممکن است و در بیانیه گام دوم چه راهبردی تبیین شده است؟

بیانیه ناظر بر مسائل جاری انقلاب و برنامه دشمن نگاشته شده است؛ برنامه دشمن تلاش برای ناکارآمد جلوه دادن نظام و انقلاب و ناامید کردن مردم از ادامه راه و مقاومت در مسیر انقلاب است. دشمن در تلاش است با جنگ اقتصادی ناکارآمدی و ناامیدی را به مردم بچشاند و اگر نتوانست این کار را کند در سطحی دیگر تلاش می کند با جنگ روانی این ناامیدی را به مردم بازنمایی کند.

تاکید بیانیه گام دوم بر توانمندی نظام در حل مسائل است و اینکه مسائل کشور بن بست ندارد و قابل حل است، چنانچه در چهل سال گذشته اینگونه بوده است. هدف این بیانیه امیدبخشی در آستانه دهه پنج انقلاب به نیروهای انقلابی و آحاد مردم است. این امید تنها با حل مسائل کشور از طریق ظرفیت های درونی کشور خصوصاً ظرفیت سرشار و عظیم جوانان شدنی است

چنانچه مقام معظم رهبری در بیانات نوروزی خود در اول نوروز صراحتاً چکیده گام دوم را اینگونه تبیین نمودند:

«آنچه در گام دوم انقلاب باید اتفاق بیفتد، اولاً شناختن و جدی گرفتن داشته‌های خود [است]؛ داشته‌های خودمان را بایستی بشناسیم و آنها را جدی بگیریم؛ مزیت‌های خود، ظرفیت‌های خود، مزیت‌های کشور، ظرفیت‌های کشور، اینها را باید بشناسیم، جدی بگیریم اینها را، اینها را به کار بگیریم و از اینها استفاده کنیم؛ کشور خیلی ظرفیت وسیعی دارد؛ ثانیاً، آفتها را بشناسیم، فسادها را بشناسیم، راه‌های رخنه‌ی دشمن را بشناسیم و در مقابل آنها به طور جدی ایستادگی کنیم. امروز گام دوم انقلاب این است: شناختن ظرفیتها و مزیتها و استفاده‌ی از آنها، و شناختن فسادها و رخنه‌ها و کمبودها و مشکلات و سینه سپر کردن برای حل آنها»<sup>۱۷</sup>

براین اساس بیانیه گام دوم نسخه امید آفرینی و حرکت رو به جلوی کشور از طریق حل مسائل کشور مبتنی بر ظرفیتها، خصوصاً ظرفیت نیروهای جوان کشور است. که اولویت این مسائل در بخش پایانی بیانیه اشاره شده است.

در این مجال و به اختصار تبیینی از بیانیه با استفاده از نظرات اساتید بزرگوار تدوین و ارائه می گردد:

## مراحل سه گانه در بیانیه<sup>۱۸</sup>

بیانیه گام دوم از سه بخش کلی تشکیل و سه مرحله کلی را برای مسیر انقلاب اسلامی معرفی نموده است مرحله اول تبیین مقیاس انقلاب اسلامی است که بایستی با این فهم و تحلیل از مقیاس انقلاب اسلامی بیانیه فهم و تحلیل شود. بخش دوم بیانیه ما اگر خواهیم انقلاب را در این مقیاس شناسایی کنیم باید توجه داشته باشیم که مقیاس های جدیدی برای ارزیابی وضعیت گذشته و آینده لازم است. مرحله سوم این بیانیه بحث آینده پیش رو است. که گام دوم برای آن نگاشته شده است.

## انقلاب اسلامی آغاز گر عصر جدید

این بیانیه سه بخش دارد:

۱- بخش اول تبیین مقیاس انقلاب اسلامی است. برای تبیین موفقیت ها و دستاوردها و چپستی راه پیش روی انقلاب اسلامی باید مقیاس انقلاب اسلامی معین شود. اگر مقیاس انقلاب اسلامی را در حد مقیاس انقلاب ضد استبدادی تعریف کنیم (تا

<sup>۱۷</sup> حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)

<sup>۱۸</sup> حجت الاسلام میرباقری

حدودی شبیه انقلاب مشروطه که ضد استبدادی بود) طبیعتاً مقیاس اثر گذاری آن کم خواهد بود و با کنار گذاشتن استبداد انقلاب تمام می شود. حال سوال این است که انقلاب اسلامی برای این بود که رژیم شاهنشاهی را به نظام جمهوری اسلامی تبدیل کند؟ بعضی ها که می گویند انقلاب اسلامی تمام شد و حال وقت سازندگی است همین تحلیل را دارند.

مقیاس دوم انقلاب اسلامی که برخی فکر می کنند انقلاب در آن شکل گرفته مقیاس ضد استعماری است. یعنی انقلاب در تلاش بوده تا علاوه بر از بین بردن استبداد داخلی، سلطه بیگانه گان را بر کشور نیز از بین برده و به استقلال سیاسی دست پیدا کند و از تحت نفوذ بودن قدرت های دیگر بیرون بیاید. این کار را هم انقلاب اسلامی انجام داده و جز دستاوردهای انقلاب است اما هدف انقلاب اسلامی قطعاً این نبوده است.

در این بیانیه مقیاس انقلاب اسلامی فراتر از این مباحث است گر چه این موارد نیز جزو دستاوردهای انقلابی محسوب می شوند. حذف فرهنگ شاهنشاهی از کشور ما یک کرامت است. این فرهنگ تا جایی رسوخ کرده بود که وقتی می خواهیم امامزاده های خود را تجلیل کنیم مثلاً شاهزاده علی اکبر می گوئیم. این نشان می دهد که در فرهنگ ما مفهوم پادشاهی در کشور ما حتی در فرهنگ مذهبی مفهومی فاخر و تثبیت شده است. این که این مفهوم و فرهنگ ۲۵۰۰ ساله از کشور جمع شود این یک کرامت است. اما انقلاب اسلامی فقط برای عبور از سلطنت نیست. تحلیل این بیانیه این است که انقلاب اسلامی **آغازگر عصر جدیدی** است. در بخشی از این بیانیه آمده: «اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمیترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمانهایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می شود.

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمیبرد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. »

با توجه به این قسمت از بیانیه اگر بخواهیم برای انقلاب اسلامی بدیلی ذکر کنیم آن بدیل حتی انقلاب کبیر روسیه و انقلاب هند نیست گر چه در ادامه ی بیانیه آمده که این انقلاب را به سایر انقلاب ها مقایسه کنیم، ولی از آنها نیز بزرگتر است. انقلاب اسلامی ما فقط با خود رنسانس قابل مقایسه است. اتفاقی که در رنسانس افتاد و از آن به نوزایی و عصر روشنگری تعبیر می کنند انقلابی در عرصه ایدئولوژی اتفاق افتاد و بعد در عرصه فلسفه ها، انقلاب علمی، انقلاب صنعتی، تحول ساختارها، سبک زندگی و شکل گیری یک تمدن جدید و مدرن را رغم زد. این تمدن که شکل گرفت از آغاز سیاست خارجی آن کاملاً ایدئولوژیک بود چون رنسانس از غرب جغرافیایی شروع شد و به سایر نقاط دنیا نفوذ پیدا کرد. بنابراین رنسانس صرفاً یک انقلاب تکنیکال نبود یعنی به دنبال انتقال دانش و تکنولوژی نبود بلکه قبل از همه آن ها انقلاب ایدئولوژیک فراگیر بود. چون انتقال تکنولوژی و دانش به معنای انتقال توسعه و تمدن نیست. اگر در کشوری بخواهد انتقال توسعه شکل بگیرد در ابتدا باید بافت تفکر و اندیشه و درک از جهان هستی فراهم شود. کاملاً باید یک تحول ایدئولوژیک در این انسان اتفاق بیفتد. یعنی اگر این انسان آسمانی بود کاملاً زمینی شود تا توسعه را بپذیرد و این کار را غرب کرده و هر کجا که رفته در ابتدا بافت انسانی آن جا را هدف قرار داده و فرهنگ آن جا را تغییر داده و ایدئولوژی خود را حاکم بر آن جا کرده است.

سکولاریزی سازیون اولین اصلی است که تمدن غرب دنبال می کرد. بنابراین تمدن غرب ماهیتی کاملاً ایدئولوژیک دارد و خود غربی ها هم زمانی بخواهند بنیان شکل گیری تجدد را توضیح دهند می گویند زمانی تجدد اتفاق افتاد که ما از مفاهیم قدسی فاصله گرفتیم و تمدن خود را زمینی و مادی کردیم. و به جای تکیه به آموزه های وحیانی به عقل خود تکیه کردیم. بنابراین این یکی از اصول اساسی مدرنیته است که به جای تکیه بر الوهیت به آزادی و لیبرالیزم تکیه کردند. لذا دنیا پرستی و ماده پرستی اساس دنیای غرب است. و طبیعتاً کار این

تمدن مادی به استکبار خواهد کشید. چرا که از متن زمینی شدن نظام ماده شکل می گیرد و مفاهیم ایثار و دستگیری و شفاعت و ... از جامعه رخت بر می بندد.

در بیانیه ای که ۶۰ نفر از متفکران آمریکایی در دفاع از بوش در آغاز جنگ دادند که از آن به جنگ چهارم و جنگ تمدنی تعبیر می کردند از حمله بوش به دنیای اسلام دفاع کردند و این جنگ را جنگی ایدئولوژیک می دانستند. در این بیانیه توضیح می دهند که تنها ایدئولوژی که می تواند جهانی شود و نجات بخش باشد ایدئولوژی آمریکایی است و ایدئولوژی های دیگر ظرفیت جهانی شدن را ندارند.

برخی از روشنفکران می گویند چون دین ایدئولوژیک است نمی تواند تمدن ساز باشد و برای تمدن سازی باید به علم رجوع کرد این غفلت است چرا که علم کاملاً ایدئولوژیک است.

قبل از انقلاب دوگانه مارکسیسم و لیبرالیسم این شعار مشترک داده می شد که اگر عدالت می خواهید سراغ مکتب مارکسیسم و اگر آزادی می خواهید سراغ مکتب لیبرالیسم بروید. واگر هیچ کدام از این دو را نمی خواهید به سراغ ادیان الهی بروید. لذا دو اردوگاه مارکسیسم و لیبرالیسم بعد از رنسانس مسیر یک طرفه ای پیش روی بشر گذاشته اند که اگر بخواهید به سعادت، امنیت و رفاه برسید و دنیای خوبی داشته باشید باید از دین فاصله بگیرید. این دو اردوگاه جهان را بین خود تقسیم کرده و حکومت می کردند اما یک ایدئولوژی بیشتر نداشتند.

انقلاب اسلامی به تعبیر مقام معظم رهبری عصر جدیدی است که ایجاد شده و دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرده است. به عبارتی انقلاب اسلامی انسداد تاریخی ایجاد شده بعد از رنسانس را شکسته و انفتاح تاریخی رخ داده و راه رسیدن به سعادت الزاماً از مبارزه با خدا و دین گریزی نمی گذرد و می شود بین دین و دنیا جمع کرد. این به این معناست که شعار و پرچم انقلاب اسلامی در مقابل شعار و پرچم رنسانس است. بنابراین این مقیاس انقلاب اسلامی است که در بیانیه آمده است.

### ارزیابی وضعیت گذشته و آینده بر اساس مقیاس فهم دقیق از انقلاب اسلامی

نکته دیگر این است که ما اگر بخواهیم انقلاب را در این مقیاس شناسایی کنیم باید توجه داشته باشیم که مقیاس های جدیدی برای ارزیابی وضعیت گذشته و آینده لازم است بنابراین به هیچ وجه نباید انقلاب اسلامی را با مثلاً مالزی و ترکیه و قطر و ژاپن و انقلاب کبیر فرانسه و غیره مقایسه شود. انقلاب اسلامی را باید فقط با عصر رنسانس مقایسه کنیم و مقیاس آن را مقیاس عصر جدید در مقابل روشنگری بدانیم. و این عصر جدید باید به تمدن اسلامی برسد و این مقدم ظهور ولایت عظمی است.

براساس این مقیاس انقلاب اسلامی اگر ما بخواهیم دوران گذشته را بررسی کنیم به تعبیرمقام معظم رهبری انقلاب اسلامی مقیاس عصر جدید است شعارهای انقلاب شعارهای فطری بشر است که در هیچ دورانی کهنه نمی شود شعارهای انقلاب مثل آزادی، استقلال، کرامت، معنویت، اخلاق و ... شعارهایی هستند که همیشه زنده و پایدار می باشند. کار انقلاب با این شاخص ها و مولفه ها ایجاد قدرت نرم و تغییر مفهوم قدرت در جهان است. بنابراین با تغییر مفهوم قدرت معادله و موازنه قدرت به هم می خورد. حضرت امام مفهوم قدرت را تغییر دادند و قدرت نرم جدیدی را تولید کردند که آن قدرت نرم از جغرافیای ما به جغرافیای غرب نفوذ پیدا کرده و غرب را به چالش کشیده و موازنه قدرت را در جامعه جهانی به نفع ما تغییر داده است. و طبیعتاً به رقیب تمدنی غرب تبدیل شده است. گر چه دشمن تلاش کرده که صدای ما را نشنود اما ناچار شده که ما را به عنوان رقیب تمدنی خود بشناسد و با ما جنگ تمدنی آغاز کند.

در این بیانیه تصریح شده که انقلاب اسلامی عامل فروپاشی کمونیسم است. در قسمتی از این بیانیه آمده: «اکنون با گذشت چهل جشن سالانه انقلاب و چهل دهه فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می دهند، دست و پنجه نرم می کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پابندی به شعارهای خود همچنان به پیش می رود.»

بعد از فروپاشی کمونیزم غربی ها نظریه برخورد تمدن ها را دادند و جنگ با ما را شروع کردند. غرب در این دوره تلاش کرده ابرقدرتی غرب به لیدری آمریکا را دوباره به جامعه جهانی برگرداند. دوباره موازنه قدرت را به ما قبل از انقلاب اسلامی برگرداند. آمریکا تلاش کرده جنگ سرد را احیا کند و جمهوری اسلامی را از رقیب تمدنی به یک یاغی با کارگزار منطقه ای تبدیل کند. این جنگ نیز کاملا ایدئولوژیک است. به نظر می رسد آمریکا در این زمینه موفق نبوده و به افول خود نزدیک می شود و این افول نیز کاملا ایدئولوژیک است. فوکویاما در تحلیل بحران اقتصادی گفته بود که ریشه بحران ما ایدئولوژیک است و این کاملا مشخص است. به نحوی که اگر دولتی غرب گرا سر کار بیاید نفت ما ارزان می شود و دلار آن ها ارزان می شود و اگر دولتی انقلابی سر کار بیاید نفت ما گران و دلار آن ها ارزان می شود. معنای این حرف این است که بحران اقتصادی آن ها تابع بحران ایدئولوژیک است.

پیشروی هایی که در این بیانیه مشتمل بر آن آمده اینگونه است که: «اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برجیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است؛ و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است؛ و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب میبیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می خورد».

بنابراین امروز چالش بر سر حضور قدرتمندانه ایران در مرزهای رژیم صهیونیستی و در منطقه برجیده شدن نفوذ آمریکا است. این معنای پیشرفت است و با این شاخص جدید باید پیشرفت را ارزیابی کرد.

یکی دیگر از شاخص ها دپروز غرب به دنبال فروش سلاح و تسلیحات به ایران بود و امروز به دنبال جلوگیری از دادن سلاح ایران به جبهه مقاومت منطقه است. این شاخص را هیچ کشور دیگری ندارد. ما می توانیم ادعا کنیم که انقلاب اسلامی باعث فروپاشی کمونیزم شد. این ادعا را هیچ کشور دیگری نمی تواند داشته باشد. حضرت امام (ره) در نامه به گورباچوف فرمودند که سراغ مارکسیم را باید از موزه ها بگیرد و دلیل شکست شما مبارزه بی دلیل با خداست. و فرمودند غرب و لیبرال دموکراسی نیز به همین مبتلا خواهد شد.

در یکی دیگر از شاخص های بیانیه آمده: « صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. این‌ها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید.»

بنابراین شاخص توسعه ای شاخص پیشرفت ما در مرزهای تمدن رقیب است. ما نفوذ جهانی را تغییر داده ایم. انقلاب اسلامی در بیرون دو گانه اسلام و غرب را ایجاد کرده و در داخل تاکید جمهوری و اسلامیت را داشته است. این جمهوریت مبتنی بر مردم سالاری دینی است و گرته برداری از میانی اندیشه و دموکراسی غرب نیست. انقلاب اسلامی در مقیاس کلان امنیت و تمامیت ارضی را ضمانت کرده است.

دربخشی از این بیانیه آمده: «کفّه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد» عدالت در توزیع منابع قدرت و ثروت در ایران نمونه است این منهای بعضی از آسیب هایی است که باید حل شود. که مقام معظم رهبری نیز روی آن دست گذاشته اند و یکی از گام ها ی آینده را حتما عدالت دانسته اند. و فرموده اند: « نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر

بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و با اخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از این‌ها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌ها است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.»

دربخش دیگری از این بیانیه آمده «موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روز به روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل و نقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل: چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و ... با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت.» این پیشرفت در مجموع بی‌بدیل است.

دربخش دیگری از این بیانیه آمده «عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد.» البته این موضوع باید بحث شود و شاخص‌های معنویت استخراج و تدوین گردند اما کاملاً آشکار است که در برابر هجوم همه جانبه غرب معنویت در جامعه رشد چشم‌گیری داشته است. اعتکاف‌های گسترده، مراسم شبهای احیا، مراسم اربعین که واقعا معجزه است و به این گستردگی هیچ وقت نبوده است.

دربخش دیگری از این بیانیه آمده «مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید.» هیچ کشور دیگری به مانند ایران در این زمینه نیست.»

«ایستادگی در برابر قلدان و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد.» هم‌انگیزه مقاومت و هم بصیرت مردم بیشتر شده به نحوی که دشمن از هر دری وارد می‌شود باز دشمن را می‌شناسند. این خیلی امر مهمی است که در کشور های دیگر یافت نمی‌شود.

حضرت امام خمینی (ره) هم سیاست را کوچه‌بازاری کردند و هم اگر خلاف ادب نباشد شهادت را کوچه‌بازاری کردند. قبل از انقلاب وقتی صحبت از شهید می‌شد باید به صدر اسلام رجوع می‌کردید. و شهادت در دسترس نبود و امام باب شهادت را باز کرد. و هنگامی که قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفتند آنجا بیان می‌دارند که خدایا این باب شهادت را به روی ما نبند ما هنوز در میانه راهیم. این شهادت طلبی، بصیرت و روحیه استقلال طلبی دستاوردهای انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند.

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی است که مرز اسلام ناب و اسلام امریکایی در داخل و خارج کاملاً روشن شده است. این پیروزی بسیار بزرگی است که آثار آن در آینده مشخص خواهد شد. که این قرائت از اسلام در دنیای اسلام موج سازی خواهد کرد.

### مرحله سوم آینده‌ی پیش رو

مرحله سوم این بیانیه بحث آینده پیش رو است که قبل از آن آسیب شناسی هم آمده است. شاخص‌های مهمی برای آسیب شناسی در این بیانیه آمده که یکی از مهمترین آنها برای ارزیابی انقلاب دچار جنگ روانی دشمن و دچار خطای محاسباتی نشویم. این شاخص در بیانیه به این شکل آمده: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند.»

این بیانیه دارای یک نظریه اجتماعی است که در اینجا بدان تصریح شده است. بنابراین آسیب شناسی به معنی تجدید نظر طلبی و انفعال در مقابل دشمن نیست. در آسیب شناسی دو رویکرد وجود دارد. یک رویکرد نقد انقلاب اسلامی از منظر ادبیات غرب است که این رویکردی انفعالی است چون ما در چالش با آن‌ها هستیم و بنا نداریم شاخص‌های آن‌ها را به عنوان شاخص رسمی بشناسیم. زیرا نقد انقلاب اسلامی با شاخص‌های غربی به انفعال انقلاب اسلامی کشیده می‌شود و ما به شدت باید از آن پرهیز کنیم چرا که موجب تحریف انقلاب اسلامی می‌شود.

ما باید در آسیب شناسی نظریه پردازی کنیم و بر مبنای شاخص‌های خودمان آسیب شناسی کنیم. لذا ما در آسیب شناسی نیز نیاز به تولید شاخص و نظریه پردازی و امثال اینها داریم. اگر بخواهیم آسیب شناسی کنیم، آسیب‌های انقلاب ناشی از چالش فرهنگ اسلام و فرهنگ لیبرال دموکراسی است. این آسیب شناسی باید در مقیاس انقلاب اسلامی و متناسب با آن انجام پذیرد. آسیب شناسی رهبر انقلاب در این بیانیه با آسیب شناسی لیبرالیستی نیست. در آسیب شناسی مقام رهبری انفعال در برابر لیبرالیسم و ادبیات مدرن غرب و خطای محاسباتی و اثرگذاری جنگ نرم دشمن وجود ندارد.

خطای محاسباتی یعنی اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. مقام معظم رهبری بارها فرمودند که هزینه مقاومت کمتر از هزینه سازش است و انتهای هم که سازش کردند به جایی نرسیدند.

بنابراین نظریه خلع صلاح عمومی مثل کشور ژاپن و نظریه اقتصاد علمی به جای اقتصاد مقاومتی نظریه‌هایی خطرناک و ناشی از انفعال و خطای محاسباتی و آسیب شناسی غلط است.

بعد از آسیب شناسی نقشه پیش رو مطرح می‌شود. در نقشه پیش رو مقام معظم رهبری برای انقلاب اسلامی پنج مرحله ترسیم کرده اند که شامل انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی می‌شود. دو مرحله آن را ما طی کرده ایم که هیچ کدام از این‌ها براساس الگوبرداری از نظام‌ها و انقلاب‌های موجود نبوده است. و آرمان آن متناسب با آرمان‌های غربی نبوده است. مرحله بعد رسیدن به دولت اسلامی است. دولت اسلامی یعنی تدبیر و اداره کشور و ساختارها و برنامه‌های دولت‌ها برای اداره کشور باید اسلامی باشد. اگر چنین اتفاقی بخواهد ایجاد شود نیاز به عقبه‌ای دارد که آن عقبه را هم ایشان طراحی کرده اند که:



۱- باید تفقه دینی ما ارتقا پیدا کند ، عقلانیت دینی ما باید رشد کند و به ظرفیتی برسد که از ان اداره حکومت و پیشرفت اجتماعی به دست بیاید .

۲- نیاز به تولید علم انسانی دینی: مقام معظم رهبری با صدای بلند همواره این موضوع را گوشزد کردند.

۳- الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی

لذا ما در آستانه حرکت به سمت دولت اسلامی هستیم و خروجی این دولت و جامعه اسلامی تمدن اسلامی را شکل می دهد. و الگویی در مقابل تمدن رقیب می شود که این افقی دست یافتنی از آرمان عصر ظهور است. انقلاب اسلامی در چهل سال اول خود گویا دو گام و نیم برداشته یعنی نظام اسلامی و فراهم ساختن زیرساخت های رسیدن به دولت اسلامی. لذا مسیر پیش رو آسان تر از گذشته است چون زیرساخت های آن گذاشته شده است.

### نظریه نظام انقلابی

این بیانیه یک پیام اصلی دارد که در سه مقام بیان شده است. پیام اصلی کل این بیانیه گوهری دارد. آن گوهر چیست؟ گوهر این بیانیه نظریه ی نظام انقلابی است. پیام اصلی بیانیه تبیین نظریه نظام انقلابی است. یعنی حضرت آقا خواستند در این بیانیه بگویند نظریه نظام انقلابی چیست؟ دوم این که این نظریه نظام انقلابی در چهار دهه چه دستاوردهایی داشته است و سوم این که در گام دوم چه باید بکنیم و چه توصیه هایی لازم است.<sup>۱۹</sup>

### خودسازی ، جامعه پردازی و تمدن سازی معنای نظریه نظام انقلابی

نظریه نظام انقلابی عبارت است از **خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی**. این نظریه را حضرت آقا در سه مولفه بیان کرده است. البته با شعارهای فطری و جهانی انسان بیان شده است. این شعارها را ایشان این طوری توضیح می دهد: شعارهایی که هم فطری و هم جهانی هستند. عبارتند از آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری. یعنی خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی این شعارهای فطری و جهانی از طریق مردم سالاری دینی تحقق پذیر است. یعنی اگر بخواهیم این سه مولفه را تحقق بخشیم و این شعارها را در این جامعه محقق کنیم می تواند از طریق مردم سالاری دینی نه مردم سالاری سکولار تحقق بیاید.<sup>۲۰</sup>

### معرفی نظریه نظام انقلابی

یکی از نکات اساسی بیانیه، معرفی نظریه است. نظریه ی نظام انقلابی چیست؟ در معرفی نظریه ی نظام انقلابی تعبیر ، شعارها و ویژگی هایی از این متن استخراج می شود و این سه مطلب معرفی نظریه ی نظام انقلابی است. مطلب اول تعریف انقلاب اسلامی؛ مطلب دوم شعارهای انقلاب اسلامی؛ مطلب سوم ویژگی های انقلاب اسلامی هست.<sup>۲۱</sup>

### تعریف انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی چیست؟ انقلاب اسلامی یک فعالیت فرآیندی خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی است. تلقی برخی از انقلاب اسلامی پیروزی بود که در سال ۵۷ اتفاق افتاد و این تلقی غلطی از انقلاب است. انقلاب اسلامی یک تکامل فرد و جامعه و تاریخ است. بعد فردی

<sup>۱۹</sup> حجت الاسلام خسرو پناه

<sup>۲۰</sup> همان

<sup>۲۱</sup> همان

اش خودسازی است. بعد جامعه‌اش جامعه پردازی است. بعد تاریخی اش تمدن سازی است که تمدن هویت تاریخی دارد. تمدن پردازی هویت تاریخی دارد و مقید به مکان‌ها نیست. لذا تمدن منحصر در یک مکان خاص نیست، استمرار زمانی دارد و در جوامع مختلف حضور دارد. تعریف مقام معظم رهبری از انقلاب اسلامی یک تعریف فرآیندی است. البته با ویژگی‌ها و شعارها این تعریف روشن تر می‌شود. پس یک فرآیند خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی است.<sup>۲۲</sup>

### شعارهای انقلاب اسلامی

شعارهای این انقلاب هم شعارهای فکری است و لذا هیچ موقع این شعارها کهنه نمی‌شود چون مربوط به ساحت فطرت انسان است. شعارهای فطری و جهانی هستند. شعارهایی مثل آزادی، عدالت، معنویت، عقلانیت، عزت و مانند آن شعارهای انقلاب اسلامی است. شعارهای فطرتی که مربوط به ساحت نهاد ثابت انسانی است ولو انسان مرتب در حال تحول و تغییر است. همه‌ی جهانیان از عزت، معنویت، عقلانیت، آزادی، عدالت دفاع می‌کنند و خواستار آن هستند.<sup>۲۳</sup>

### ویژگی های انقلاب اسلامی

ویژگی‌ها در تعریف و معرفی انقلاب اسلامی اینکه صریح، شجاع، مدافع مظلوم، مقتدر، صادق، زنده و پویا، منعطف، مصحح خطاهای خودش هست و متحجر نیست، بی‌تفاوت در برابر پدیده‌های نو نیست. همان ویژگی‌هایی که می‌شود به نام جریان عقلانیت اسلامی نام برد که نه سنتی مبتلا به تحجر است و نه روشنفکری مبتلا به غریزدگی و وابستگی است. بلکه جریانی هست که هم از میراث گذشته‌ی خود دفاع می‌کند و هم به نیازهای زمان و پدیده‌های نو توجه دارد. این ویژگی‌ها و شعارها را با شکلی خاص تحقق بخشیده است.<sup>۲۴</sup>

### تحقق نظریه نظام انقلابی

شکل این انقلاب جمهوری و اسلامیت و مردم سالاری دینی است. نظریه‌ی نظام انقلابی تنها نیامده بگوید که انقلاب اسلامی یک فرآیندی خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی است و فقط نیامده شعارها را گفته و ویژگی‌ها را بیان کند بلکه گفته است با چه ساختاری می‌توان به این شعارها رسید و ویژگی‌ها را محقق کرد. آن شکل، جمهوری و اسلامیت است. ساختار و شکل حکومت که بیانگر محتوی هم هست در هیچ نظام دنیا وجود نداشت. اگر ساختار جمهوری و اسلامیت نبود آیا انقلاب اسلامی می‌توانست چهل سال دوام بیاورد؟ آیا می‌توانست هشت سال در مقابل جنگ جهانی سوم بایستد؟ آیا می‌توانست این دستاوردها را داشته باشد؟ ساختار خیلی مهم است. پس نکته‌ی اول گوهر بیانیه است که بیانگر یک نظریه هست. مخاطب آن کل ملت ایران هست ولی تأکید بر نسل جوان است که فلسفه‌اش عرض کردم. نکته‌ی دوم معرفی نظریه‌ی نظام انقلابی بود که از تعریف انقلاب اسلامی، شعارها، ویژگی‌ها و شکل انقلاب اسلامی گفته شد. نکته‌ی سومی که در سراسر متن مشاهده می‌شود دستاوردها است. ممکن است کسی بگوید بعد از چهل سال این نظریه چه دستاوردهایی داشته است؟ اگر کارکردی بنگریم آیا آثار و نتایجی و دستاوردهایی داشته یا خیر؟<sup>۲۵</sup>

### دستاوردهای نظریه نظام انقلابی

نظریه نظام انقلابی که توضیح داده شد در این چهار دهه چه دستاوردی داشته است؟ گاهی اوقات نظریه‌پردازان نظریه‌پردازی می‌کنند اما نظریه‌شان انتزاعی می‌ماند. کاربری اجتماعی و سیاسی ندارد. در غرب نظریه‌پردازان زیادی هستند. مثلاً در باب فرهنگ گیدنز، پارسونز،

<sup>۲۲</sup> حجت الاسلام خسرو پناه

<sup>۲۳</sup> همان

<sup>۲۴</sup> همان

<sup>۲۵</sup> حجت الاسلام خسرو پناه

هابرماس، فوکو و ده‌ها نفر دیگر نظریه فرهنگی دارند. در باب امنیت نظریه‌پردازی شده است. نظریه‌پردازی زیاد است اما نظریه‌ای مهم است که کاربست اجتماعی پیدا کند. حال این نظریه نظام انقلابی در این چهار دهه چه دستاوردهایی داشته است؟ از این بیانیه ۱۰ دستاورد را می‌توان استخراج نمود که عبارتند از:

#### ۱. استقلال کشور و عمل کردن به شعار نه شرقی و نه غربی

ایران یک کشور مستقلی است که روی پای خودش است و هیچ‌کس نمی‌تواند بر این کشور امر و نهی کند. هیچ‌وقت کشور ما این‌گونه نبوده است. گاهی اوقات یک کارمند وزارت خارجه آمریکا در ایران به فرمانده نیروی هوایی کشور دستور می‌داد، بدون اجازه فرمانده کل قوا که شاه آن زمان بود، هواپیماهای ما بروند و در جنگ با ویتنام به آمریکایی‌ها کمک کنند. و این کار اتفاق هم می‌افتاد. از خودشان اختیاری نداشتند. ولی یکی از دستاوردهای ما این است که ایران کشور مستقلی بوده و این استقلال در چهار دهه هم تحقق عینی و عملی پیدا کرده است.

#### ۲. حفظ امنیت و تمامیت ارضی

با وجود صد ها توطئه خارجی و داخلی، در خوزستان، کردستان، مشکلات داخلی و جنگ بین‌المللی علیه ایران که یک جنگ جهانی سوم بود. خیلی از کشورهای عربی پول و نیرو می‌دادند و کشورهای اروپایی و آمریکا اسلحه می‌دادند، نقشه و آخرین اطلاعات هوایی را به حزب بعث می‌دادند و ایران یک تنه با همین مردم‌سالاری دینی در مقابل این تهاجم ایستادگی کرد. این دستاورد، خیلی دستاورد مهمی است.

#### ۳. پیشرفت علم و فناوری

ایران قبل از انقلاب در رتبه جایگاه علمی دنیا شمرده نمی‌شد. الان به رتبه پانزده رسیده است. در هر دهه هم جلوتر رفتیم و شتاب داشتیم. در فناوری‌های مختلف، در نانو تکنولوژی، در بیوتکنولوژی، در هسته‌ای، در سلول‌های بنیادی و ده‌ها فعالیت دیگر. در بعضی از این فعالیت‌ها ایران در رتبه هفتم دنیا قرار دارد. پیشرفت‌های عظیمی که شاید یک‌دهم این پیشرفت‌ها برای مردم بیان نشده است و هنوز انتقال پیدا نکرده است.

#### ۴. توسعه زیرساخت‌های کشور

کارهای گسترده‌ای که در حوزه سدسازی و زمینه‌هایی از این قبیل انجام شده است

#### ۵. تقسیم امکانات عمومی کشور و به تعبیری سنگینی کفه عدالت

یعنی امکانات در سطح وسیع حتی در روستاها و مناطق محروم رفته است. یادمان نرود که قبل از انقلاب و حتی دهه اول انقلاب چه بود. پزشک از بنگلادش و پاکستان به ایران می‌آمد و طبابت می‌کرد. اکنون در دورترین نقاط مناطق محروم کشور پزشک می‌رود. درمانگاه و بیمارستان‌های فوق تخصصی در مناطق و شهرهای مختلف احداث شده است. قبلاً امکانات در تهران و اصفهان و چند شهر بزرگ دیگر بوده است. اکنون در عرصه‌های مختلف تقسیم امکانات صورت گرفته است.

#### ۶. معنویت و اخلاق در فضا عمومی

ما مشکلات اخلاقی جدی هم داریم ولی یادمان نرود که در کشور چه زمانی بود که هزاران جوان در اعتکاف شرکت کنند. اقبال مختلف جوانان شرکت می‌کنند. چه زمانی داشتیم که این همه جمعیت به دعای عرفه بیایند و با حسین‌بن‌علی (علیه السلام) انس بگیرند. چرا این‌ها

را نبینیم. فضای معنویت در دنیا مرده است. در دنیا وقتی می‌خواهند معنویت کسب کنند به عنوان مثال به هند می‌روند با مدیتیشن و یوگا می‌خواهند حال معنوی کسب کنند. این ظرفیت معنویت در کشور بسیار ارزشمند است.

#### ۷. عزت ملی و روابط خارجی

#### ۸. رشد بینش سیاسی مردم، مشارکت مردم و مردم‌سالاری سیاسی و اجتماعی با رویکرد دینی

مردم ما اکنون بینش و درک سیاسی دارند. بنده یک وقت با اعضای هیئت علمی و اساتید دانشگاه‌های آمریکا در مسکو جلسه‌ای داشتم. یکی از اساتید می‌گفت ما به ایران هم آمدیم. بچه‌های مدارس ابتدایی شما بینش سیاسی‌شان از اساتید دانشگاه‌های ما هم بیشتر است. این بینش و مشارکت سیاسی و اجتماعی فوق‌العاده است. در همین حوادث سیل و زلزله و جنگ، اگر مشارکت مردم نبود، دولتمردان ما با همه تلاش‌هایی که کردند می‌توانستند در مقابل این همه حوادث امنیتی و تخریب‌های سیل و زلزله مشکلات را حل کنند؟ امکان نداشت. این مردم رشد عجیبی پیدا کردند. قبل از انقلاب برف می‌آمد هزاران نفر در زیر برف می‌مردند و اگر تعدادی از همان منطقه به کمک می‌رفتند. این حس مسئولیت از دستاوردهای نظری نظام انقلابی است.

#### ۹. تحقق و گسترش محور مقاومت

این تحلیل را اولین بار از آقاسیدصادق طباطبایی شنیدم. ایشان تحلیل‌شان این بود که اگر انقلاب اسلامی ایران دوسال دیرتر اتفاق می‌افتاد، قطعاً اسرائیل از نیل تا فرات را تصرف می‌کرد و قطعاً ایران مرکز بهائیت می‌شد. قصد داشتند معبد بین‌المللی در تهران بسازند. شهرک شهید محلاتی در اختیار بهائی‌ها بود. مجتمع امام خمینی (ره) که در اختیار سازمان فرهنگ و ارتباطات است، در اختیار بهائی‌ها بود. به قول خودشان قصد داشتند کعبه‌ای بسازند و مردم ایران و حتی جهان را به سمت این معبد سوق بدهند. بعد از آن که موفق نشدند رفتند و در دهلی مرکزی ساختند. در عراق و سوریه و لبنان ما مردم بسیجی بومی همان مناطق را داریم که در مقابل رژیم صهیونیستی و امثال داعش ایستادند. اگر حرکت‌های مردمی و حشدالشعبی نبود، الان باید در مرز ایران با داعش می‌جنگیدیم. این دستاورد انقلاب است. این قدرت حزب‌اللهی است که از دستاوردهای انقلاب اسلامی است.

#### ۱۰. پایان بخشیدن به انحطاط تاریخی ایران.

این دستاورد از نه دستاورد قبلی بسیار مهم‌تر است. ایران از نیمه دوم دولت صفویه انحطاطش را شروع کرد. از شاه عباس دوم سیر نزولی انحطاط داشتیم و اوج انحطاط دولت قاجار و پهلوی بود. حتی اگر در دوران پهلوی اول توسعه‌ای در کشور شکل گرفت دقیقاً در راستای نیازهای انگلیس و آلمان صورت گرفت. در راستای نیازهای کشور نبود. زیرساخت‌هایی که پهلوی اول انجام داد برای اهداف انگلیس بود. اما چه جنایت‌هایی که انجام داد. چه قدر انسان‌های آزادی از روشنفکر و روحانی را اعدام، قتل عام و ترور کرد. ایران اجازه نداشت در کار علمی تلاشی انجام بدهد. نخبگان ما را از دانشگاه‌ها سریعاً به آمریکا و اروپا می‌بردند و حق نداشتند برای ایران خدمتی بکنند. تمام پیشرفت‌هایی که اشاره کردم بدون استثناً همه و همه محصول دانشگاهیان ایرانی است. مسیر به سمت تمدن نوین اسلامی است. این را من نمی‌گویم بلکه کسینجر می‌گوید. او می‌گوید دولت و حکومت جمهوری اسلامی ایران، دارد دوره هخامنشیان را احیا می‌کند. این تعبیر ایشان است چون در آن دوره یک دوره تمدنی در ایران بود. آن‌ها دارند می‌بینند. این‌ها دستاوردهای ایران است که ایران را به یک کشور و ملتی و به تعبیر حضرت آقا مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌های گران‌بها تبدیل شده است.<sup>۲۶</sup>

### جوانان مسئول حفظ و تداوم و تحقق نظریه انقلابی

<sup>۲۶</sup> حجت الاسلام خسرو پناه

این نظریه نظام انقلابی مخاطب اصلی آن جوانان هستند. چرا جوانان؟ به دلیل اینکه چهل سال دوم را باید نسل جوان بدست بگیرد این بدین معنا نیست که کسانی از نسل اول و دوم اگر کارآمدی ندارند استفاده نشود. حضرت آقا انتظار تکامل و بالندگی انقلاب را از نسل جوان می‌خواهد. به همین خاطر با حفظ تمام کرامات و احترامات و تکریم بزرگان باید چهل سال دوم را عمدتاً به نسل جدید دهند تا دنبال کنند. گام سوم، چهل سال سوم انقلاب است. گام چهارم، چهل سال چهارم انقلاب است. عهده دار هر چهل سال باید نسل جوان باشد. پس این بیانیه نظریه‌ی نظام انقلابی است. حضرت آقا نظریه‌ی نظام انقلابی را می‌گوید. تعبیر ایشان این است که بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند. چون برخی خیال می‌کنند اگر انقلاب به دست نسل جدید منتقل شود باید با تخریب نسل قدیم انجام شود. تخریب نسل قدیم اثر وضعی دارد و انقلاب آسیب می‌بیند. بزرگانی که در بحبوحه‌های انقلاب از هزاران بار تهدید جهانی جان سالم بدر بردند بعد عده‌ای بی‌مغز شروع به تخریب شخصیت‌ها کنند. قطعاً باید این انقلاب به نسل جدید واگذار شود. چه معنایی دارد گویا افرادی که هم سن شما هستند با مسئولیت‌هایی که داشتند و اکنون سن آن‌ها بالا رفته تا ابد بر مناسب بنشینند حتماً باید نیروهای جوان و جدید بیابند. تجربه و دانش و گاهی اوقات تعهد جوان امروز ما به مراتب بیشتر از این دوره است. سرّ تعبیر به گام دوم هم همین امر است. اکنون آغاز گام دوم است چون آغاز تحلیل این انقلاب به دست نسل جوان، جدید، متعهد و فاضلی هست که توان اداره‌ی کشور را دارند. حضرت آقا می‌خواهد این انقلاب را با نسل‌های جوان گام به گام جوان نگه دارد. انقلابی که پیر و فرسوده نمی‌شود و مرتب در حال نشاط و جوانی است.<sup>۲۷</sup>

### جوانان محور اصلی و مخاطبین اصلی بیانیه

یکی از محورهای اصلی بیانیه تلاشی بزرگ و جهادی برای ساختن ایران اسلامی به همت جوانان است. رهبری به صورت عجیبی روی این مساله تاکید دارند گاهی اوقات در سخنان قبلی خود ضمن تاکید بر جوانان، اشاره می‌کردند که از تجربیات افراد گذشته نیز استفاده شود ولی در این سند روی سخن حضرت آقا با جوانان است. حضرت آقا در محور دوم عنوان می‌کنند که خود انقلاب از نقطه صفر شروع شد؛ هیچ پشتوانه‌ای، هیچ الگویی و هیچ سابقه و تجربه‌ای نداشت و در هر عرصه‌ای از صفر شروع شد و از این موضوع نتیجه می‌گیرند که اکنون ما چهل سال تجربه و دستاورد را در اختیار داریم و اگر جوانان بخواهند این راه را ادامه دهند نیازی نیست که از صفر شروع کنند و این دستاوردها و ذخایر وجود دارد و سرمایه‌ی بزرگی برای ساختن آینده است. و این جوانان مخاطبین اصلی بیانیه و گام دوم می‌باشند. با عنایت به تاکید فراوان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) چه در این بیانیه و چه در بیانات و فرمایشات ایشان در بسیاری از موارد بر حضور جوانان، بایستی در جهت عملیاتی شدن این راهبرد مدل و راهکارهای عملیاتی و اجرایی برای ورود جوانان انقلابی و جهادی در عرصه‌های مدیریتی کشور طراحی و تدوین و مدل عملیاتی شدن آن طراحی و اجرایی گردد.<sup>۲۸</sup>

### مدیریت جهادی و خودباوری و اتکاء به درون

دو عنصر باعث شد که انقلاب بتواند به آن عظمت برسد؛ ۱- مدیریت جهادی و ۲- خود باوری و اتکاء به توان داخلی که این دو عنصر توانست رژیم طاغوت را از بین ببرد و نظام و حکومت اسلامی ایجاد کند و توانست عنصر اراده ملی را که جان مایه پیشرفت است در کانون مدیریت کشور وارد کند و این عناصر موجب شد که جوانان در عرصه مدیریت میدان دار اصلی باشند رهبر انقلاب اسلامی در ادامه بیانیه اشاره می‌کنند که بی‌توجهی به همین محورها و اصول باعث شده است که مشکلات کنونی ایجاد شود و خسارت‌های پدید آید که شاید

<sup>۲۷</sup> حجت الاسلام خسرو پناه

<sup>۲۸</sup> دکتر محمد حسین رجیبی دوانی

قابل جبران هم نباشند. ایشان نتیجه می‌گیرند که دنبال کردن سیر پیشرفت، توسط جوانان برای ساختن آینده ایران با همت، هوشیاری، سرعت عمل، ابتکار، نگاه انقلابی، روحیه انقلابی، عمل جهادی و بهره‌گیری از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته عملی خواهد بود.<sup>۲۹</sup>

### محور مفهوم امید در بیانیه

این مفهوم در این بیانیه از جانب ایشان اصلاً تازه نیست ولی به شدت تنها است. کمتر کسی تا این حد بر این مفهوم در طی سی سال اخیر پای فشرده است. توجه به این مفهوم توسط ایشان بارها تکرار شده است. در این بیانیه که جمع بندی از دیدگاه‌های خود ایشان هم هست مشاهده می‌کنیم به صورت برجسته‌ای مورد توجه قرار گرفته است. ایشان می‌فرمایند: «اما بیشتر از هر چیز نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده هست. بدون کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها هیچ گامی نمی‌توان برداشت. «طبیعتاً توجه دارید که امید حتی در خلاقیت علمی نقش اول را دارد. در بسیاری از فعالیت‌های انسان امید این آثار را دارد. مهمترین عامل تعیین کننده در درک سیاسی، انتخاب موضع سیاسی و تحلیل سیاسی افراد نگاه به آینده است و تلقی که از آینده دارند.»

اینکه ما امید به پیروزی داریم یا نداریم؟ امید یک دایره‌ی خیلی وسیعی از مفاهیم را درباره‌ی جبهه‌ی مقابل و جبهه‌ی خودی در برمی‌گیرد. اگر در یک مدیر درجه‌ی امید بالا نباشد به هیچ وجه پی به راهبردهای اساسی نمی‌برد؛ امکان برنامه‌ریزی صحیح نخواهد داشت؛ توانمندی‌ها را درک نخواهد کرد؛ مسلماً نقاط ضعف در نظر او قوی‌تر خواهد شد و در محاسبات علمی خود دچار اشتباه خواهد شد ایشان (رهبری) می‌فرماید: «آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. «متکی به باورهای قیدی نیست بلکه متکی به واقعیت‌های عینی است. ملاحظه کنید چقدر وظیفه‌ی ما را سنگین می‌کند تا واقعیت‌ها را محاسبه کنیم در دو سوم این بیانیه بیان تبیین واقعیت‌های عینی است که مبنای امید هست. باورهای قیدی و مبانی نظری نیستند. واقعیت‌های عینی به ما امید می‌دهد.»<sup>۳۰</sup>

### القای یأس و ناامیدی هدف و برنامه دشمن

ایشان در بخشی از بیانیه می‌فرمایند: «در طول این چهل سال، اکنون و مانند همیشه سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن مایوس سازی مردم، حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است.» در اینجا باید حاشیه‌ای زد که تا حدی نه در مردم بلکه در مسئولان موفق بوده‌اند. البته در این باره می‌توان تأمل کرد که چرا نوعاً مسئولان و مدیران تأثیرپذیر می‌شوند؟ از یأسی که دشمن به بهانه‌ی واقع بینی القاء می‌کند. وقتی به تعابیر دقیق نگاه می‌کنید عقیده دارند انسان باید واقع بین باشد. اتفاقاً نسبت به واقعیت‌ها نابینا می‌شوند. اشتباه بچه حزب اللّهی‌ها این است که با ارزش‌ها و اصول خودشان به جنگ عدم واقع بینی می‌روند که در برخی مدیران و سیاستمداران هست. آنجا محل بیان واقع بینانه‌ی حقایق هست، نه محل بیان اصول و ارزش‌هایی که اعتقاد داریم.

گاهی اوقات ناامیدی به صورت یأس انقلابی و معنوی سراغ مردم می‌آید. این‌ها ناامیدی‌ها و یأس معنوی و انقلابی است. این برنامه‌ی همیشگی دشمنان ملت ایران است و البته دنباله‌های آن در داخل کشور نیز قابل مشاهده هستند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیشگام برای شکستن محاصره‌ی تبلیغاتی باشید و در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید؛ ترس و نوامیدی را از خود و دیگران برانید. امید در قاموس فرمایشات ایشان دایره‌ی گسترده است که ایمان، ترس، شجاعت جزو آن قرار می‌گیرد. لذا می‌فرماید: «نشانه‌های امید بخش که به برخی از آن‌ها اشاره شد در برابر چشم شما است. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است. دست و دل‌های امین و خدمتگزار به مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و

<sup>۲۹</sup> دکتر محمد حسین رجیبی دوانی

<sup>۳۰</sup> حجت الاسلام پناهیان

پایداری و ابتکارهای ایرانی در بسیاری از عرصه‌ها به چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید. « در تحلیل بیانیه‌ی گام دوم اگر بگوییم گرانیگاه این بیانیه امید است، شاید سخن به گزافه نگفته باشیم.<sup>۳۱</sup>»

## شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

این امید گذشته از تجربه‌ی پیشین؛ در آینده به چه چیزی استوار است. حرکت به سمت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی امید را در آینده افزایش میدهد، مطلبی که ایشان در همان اوایل بیانیه در دو جمله بیان کردند و این است که چند جمله پایگاه اساسی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است و واقع بینانه در آینده زمینه‌ی امید را در ما افزایش می‌دهد. بلکه تکیه‌ی ما بیش از گذشته که ممکن است حتی اکثر حجم بیانیه را در بر گرفته باشد، در آینده به این فراز هست. آنچه در ذهن شریف شما می‌گذرد و در ذهن خیلی‌ها (از دوستان تا دشمنان انقلاب) به عنوان سؤال مطرح می‌شود پاسخ به این سؤال است که آیا خواهد شد یا نه؟

به این جمله توجه کنید: چگونه امید به آینده رخ می‌دهد؟ آیا ما در آینده خواهیم توانست؟ این مبتنی است بر چه نگاهی به توانایی‌ها یا راهی که می‌خواهیم اتخاذ کنیم. می‌فرماید: «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود. میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بینم بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کنم.» بنده این پرسش را در مقابل شما مطرح می‌کنم که در طی این چهل سال بیشتر مشکلات ما ناشی از چه چیزی هست و در آینده و هم اکنون برای عبور از این مشکلات باید چه کاری انجام دهیم. ما باید بتوانیم ساختارهای حقوقی و اجتماعی در ابعاد مختلف حتی اقتصادی در جامعه تعریف کنیم که انقلابی‌گری، معنویت، خداگرایی و اخلاق در آن لحاظ شده باشد ولی اکنون این گونه نیست. ساختارسازی‌ها و نظاماتی که ما تبعیت می‌کنیم نوعاً غربی، غیر انسانی، منفعت‌جویانه، غیر انقلابی، لیبرالی، ولی اهداف خداجویانه و آرمان‌ها انقلابی هستند. اینکه ایشان فرمودند این کار شدنی هست یعنی اینکه پس ما می‌توانیم ادامه دهیم. تاکنون تصادفی ادامه ندادیم؛ چگونه امکان دارد؟ این راهی است که شما اساتید باید باز کنید. به طور مثال اگر ما بخواهیم در اداره‌ی جامعه نظم و نسقی داشته باشیم که به اهداف انقلابی برسیم باید چه کاری انجام دهیم؟

پس هم می‌توان نظام‌سازی کرد و هم انقلابی بود. مردم سالاری یعنی بر اساس یک دین و بر اساس اسلام، سالار زندگی جامعه خود مردم هستند. این معنای مردم سالاری اسلامی است.<sup>۳۲</sup>

## راهکارهایی برای تحقق گام دوم

بر مبنای تحلیل ارایه شده از گام دوم و با عنایت به اهمیت تحقق گام دوم که رسالتی سنگین بر دوش همگان می‌باشد پیشنهادی عملیاتی در جهت تحقق این بیانیه عبارتند از:

### تبیین آرمان‌ها و اصول بنیادی انقلاب

تبیین آرمان‌ها و اصول بنیادی انقلاب بر مبنای راهنمایی‌های امامین انقلاب یکی از پیشنهادهای عملیاتی می‌باشد. اینکه امام تاکید فراوان بر آرمان‌ها و اصول انقلاب دارند به چه دلیل است و ما باید این موارد را تبیین کنیم و این آرمان‌ها و اصول از نظر امامی که این انقلاب را به پا کرد و حضرت آقا که آن را رهبری می‌کند و ادامه می‌دهد، را استخراج کنیم. خود مقام معظم رهبری (مدظله العالی) هفت مورد

<sup>۳۱</sup> حجت الاسلام پناهیان

<sup>۳۲</sup> همان

از این اصول را از اندیشه‌های امام مطرح کردند. همچنین خود حضرت آقا در این ۳۰ سال موارد تبیینی و تشریحی بیشتر نیز داشته‌اند که باید استخراج شود.<sup>۳۳</sup>

### استخراج مولفه‌ها و اصول مدیریت جهادی

یکی دیگر از راهکارهای پیشنهادی عبارت است از این که افرادی که در عرصه مدیریت تخصص دارند مولفه‌ها و اصول مدیریت جهادی را استخراج و مدل سازی نموده و مصادیق آن بر مبنای رهنمودهای رهبری معرفی نمایند. همچنین بر مبنای علم مدیریت نیز می‌توان اقداماتی انجام داد که اگر می‌خواهیم مدیر جهادی تربیت کنیم و یا افراد موجود را شناسایی کنیم مولفه‌ها را بدانیم بر اساس آن مولفه‌ها اقدام به عملیاتی کردن این راهکار در زمینه‌های مختلف داشته باشیم.<sup>۳۴</sup>

### تدوین دستاوردهای انقلاب اسلامی

تبیین دستاوردهای مهم انقلاب یکی دیگر از وظایف ما نسبت به بیانیه و تحقق گام دوم می باشد. خود مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این سند مواردی را تبیین کرده اند؛ منتها ما نیز باید این موارد را با ذکر مصداق‌های آن معرفی کنیم که حاصل جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی بوده است و عنوان کنیم که این دستاوردی که ایجاد شده است به دلیل نگاه انقلابی و جهادی بوده است. این کار به منظور درس گرفتن و بیان تجربه مثبت است. حضرت آقا نیز می‌فرمایند ما به این موارد برای ساخت آینده نیازمندیم.<sup>۳۵</sup>

### بررسی عملکرد مسئولان و مدیران در گام اول

بررسی عملکرد مسئولان و مدیران چهل سال گذشته در قبال اصول و آرمان‌های انقلاب یکی دیگر از محورهای کاری می باشد. اینکه این مسئولان چقدر به این اصول پایبند بوده‌اند و چقدر به این اصول اعتقاد داشته و به آنها عمل کرده‌اند و چقدر از آنها عقب نشسته‌اند. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این رابطه بیان می‌کنند: «اگر بی توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله انقلاب نبود که متأسفانه بود و خسارت بار بود بی شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر آرمان‌های بزرگ خود بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی به وجود نمی‌آمد.» دولت‌های مختلف در گام اول مثل دولت سازندگی، اصلاحات، عدالت اجتماعی و تدبیر و امید در برابر این اصول و آرمان‌ها چگونه عمل کردند. در این بررسی‌ها باید جنبه‌های مثبت و جنبه‌های منفی، استخراج گردد تا از این موارد عبرت گرفته شود.<sup>۳۶</sup>

### تبیین نقش تاریخی جوانان در تحولات بشری

تبیین نقش تاریخی جوانان در تحولات بشری با تاکید بر دوره‌ی اسلامی یکی از مواردی است که می‌تواند راهگشا باشد. هرگاه جوانانی با این معیارهایی که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌فرماید به عرصه آمدند، باعث چه تحولاتی شدند؟ معرفی یک تجربه تاریخی میتواند موثر باشد. کشف و بیان سابقه حضور جوانان در یک عرصه یا حضور جریان جوان‌گونه که موجب پدید آمدن تحولات بزرگی شده است برای جوانانی که ان شاءالله می‌خواهند ایران را بسازند می‌تواند نقطه امید و پشتوانه‌ای باشد.<sup>۳۷</sup>

<sup>۳۳</sup> دکتر محمد حسین رجیبی دوانی

<sup>۳۴</sup> همان

<sup>۳۵</sup> همان

<sup>۳۶</sup> همان

<sup>۳۷</sup> همان



## سخن پایانی

در این گام سرنوشت ساز، مهم و راهبردی دلمان را به وعده الهی گره زده و با ایمان قلبی به آینده ای روشن وعده داده شده می سپاریم که آینده با مومنین می باشد. چنان چه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در رابطه با تحقق وعده الهی و نصرت ملت ایران می فرمایند:

عزیزان من! آن روزی که خدای متعال، موسی را که بچه‌ی یک روزه یا چند ساعته ای بود و مادرش او را به آب انداخته بود و به خدا سپرده بود، به او برگرداند، به وعده‌ی خود عمل کرد: «اَنَا رَادُّهُ إِلَيْكَ». خدای متعال در این جا، دو وعده به مادر موسی کرد: یک وعده این بود که «اَنَا رَادُّهُ إِلَيْكَ»؛ ما او را به تو برمی گردانیم. مادر هم دلش به همین وعده‌ی اول بیشتر بند بود؛ بچه‌اش است دیگر. بچه‌ی چندساعته را داخل جعبه گذاشته و به آب داده و خدا هم گفته که او را بر می گردانیم. وعده‌ی دومی هم بود که برای مادر موسی، خیلی باور کردنی نبود و آن، این بود: «وَجَاعِلُهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛ نه فقط ما او را برمی گردانیم، که پیامبر مرسل خودمان هم خواهیم کرد. اولی برای مادر موسی قابل فهم بود؛ یکی داخل آب می رود و موسی را می گیرد و به مادرش برمی گرداند - اگر چه خیلی دشوار بود - اما همین بچه را «جَاعِلُهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»<sup>۳۸</sup> آیه‌ی قرآن می فرماید: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ»؛ او را به مادرش برگردانیم، «كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا»؛ تا چشمش روشن شود، «وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»<sup>۳۹</sup> تا بداند که وعده‌ی خدا درست است؛ یعنی آن وعده‌ی دوم هم عملی خواهد شد. دیدی وعده‌ی اول چه طور زود عملی شد؟ دیدی بچه‌ی که در راه خدا داده بودی، چه طور زود به تو برگشت؟ آن وعده هم به همین شیرینی تحقق پیدا خواهد کرد. عزیزان من، آزادگان، رزمندگان، خانواده‌ها، هجران کشیده‌ها، دل دادگان به اسلام و انقلاب و حاکمیت جهانی اسلام و همه‌ی ملت! یازده سال گذشت. یعنی در مقیاس تاریخ، یک چشم برهم زدن است؛ بیشتر که نیست. شما اگر تاریخ را نگاه کنید و بخوانید، می بینید که ده سال و یازده سال و پانزده سال و بیست سال، در طول تاریخ هیچ است؛ یک چشم به هم زدن است. در یک چشم برهم زدن، وعده‌ی اول الهی تحقق پیدا کرد. آن، چه بود؟ آن، این بود که ما شما را نصرت خواهیم داد و پیروز خواهیم کرد. پیروز شدیم دیگر. پیروزی از این بهتر؟ هیچ پیروزی‌ای برای ملتی که انقلابی است و مثل ماست، به این بزرگی و به این کمال و به این شیرینی نیست.

همه‌ی دنیا در مقابل شما آمدند، تا شما را از مرزهایتان یک قدم عقب نشانند. میلیاردها صرف کردند، مجهزترین وسایل جنگی را آوردند، قدرتمندترین قدرتها با هم همدست شدند، از شرق و غرب کمک گرفتند، وسایل تبلیغاتی را با قوت هر چه تمامتر وارد کردند، هشت سال هم جنگیدند، بعدش دو سال هم چک و چانه زدند، آخرش نشد.

کدام کشور و ملتی، برای قدرت و پیروزی خود، نشانه‌ی بالاتر از این می تواند داشته باشد؟ بعد از آن که همه‌ی زورهایشان را زدند، تازه ملت ایران از آنها با نشاط تر، شاداب تر، کشور دست نخورده تر است و نیروهای نظامی منظم تری دارد.

ملت را هم که می بینید چگونه ملتی است. پیروزی، یعنی این. آن دشمنی هم که وجه المصلحه‌ی خرد حسابهای قدرتها با ما شده بود، حالا می بینید در چه روز و چه وضعی است. دنیا هم نسبت به همه‌ی ما، با کمال احترام و تعظیم و تجلیل برخورد می کند. این، وعده‌ی اول بود؛ «وَلِيُنصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ»<sup>۴۰</sup> هر که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت می کند. شماها نصرت کردید دیگر. در میدان جنگ، خدا را نصرت

<sup>۳۸</sup> سوره مبارکه القصص آیه ۷ وَأَوْخِينَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَإِذَا خِضَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقَيْهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۗ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ترجمه: ما به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر ده؛ و هنگامی که برا او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن؛ و ترس و غمگین مباش، که ما او را به تو باز می گردانیم، و او را از رسولان قرار می دهیم!»

<sup>۳۹</sup> ( سوره مبارکه القصص آیه ۱۳ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۚ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ترجمه: ما او را به مادرش بازگردانیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است؛ ولی بیشتر آنان نمی دانند!

<sup>۴۰</sup> سوره مبارکه الحج آیه ۴۰

کردید. در سلول، با صبرتان نصرت کردید. در اردوگاه، با ایستادگیتان نصرت کردید. در مراجعت، با روحیه‌ی خوبتان نصرت کردید. ملتتان هم، با آن صبر فوق‌العاده و حضور در همه‌ی میدانهای خطر، نصرت کردند .

درعین حال، امام بزرگوار این ملت - آن نسخه‌ی انبیا (نمی‌گویم نسخه‌ی کامل؛ امام شاگرد آنها بود و خودش می‌گفت من خاک پای اولیا و انبیا هستم. اگر آدم بخواهد قدری چهره و روش و اخلاق و نفوذ کلمه‌ی پیامبران را بفهمد، باید به زندگی امام نگاه می‌کرد) - یک اشاره می‌کرد، این ملت «من کلّ فجّ عمیق»<sup>۴۱</sup> بیرون می‌ریختند و سپاهها و جمعیت‌ها تشکیل می‌دادند. ارتشی یک‌طور، سپاهی یک‌طور، بسیجی یک‌طور، نیروهای انتظامی یک‌طور، کسانی که تفنگ به دست نگرفته بودند، طور دیگر بیرون می‌ریختند و به جبهه‌ها می‌رفتند. اینها، نصرت الهی است؛ «ولینصرنّ الله من ينصره»<sup>۴۲</sup> خدا این وعده‌ی اول الهی را به خاطر نصرت تحقق بخشید؛ اما وعده‌ی دوم هنوز باقی است. وعده‌ی دوم این است: «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»<sup>۴۳</sup>

در یک آیه‌ی دیگر: «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده»<sup>۴۴</sup> در یک آیه‌ی دیگر: «لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون»<sup>۴۵</sup> یعنی این پرچم توحید و اسلام و ایمان، این پرچم ایستادگی در مقابل ظلم و جور از هر کس و هر جای عالم، این پرچم استقلال ملت‌ها در مقابل قدرتهای زورگوی عالم، باید در سرتاسر جهان و به عنوان مرکز امید همه‌ی مستضعفان عالم، به اهتزاز در بیاید .  
ملت‌ها امید بسته‌اند و بیدار شده‌اند. مسلمانان، امروز به اسلام خودشان افتخار می‌کنند و احساس عزت می‌نمایند. امروز ترس قدرتمندان و زورگویان عالم، فقط از اسلام و قرآن و مسلمانان واقعی است. امروز واهمه‌ی مرتجعان و پیروان و علمداران اسلام امریکایی، از اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. همه فهمیدند و دانستند که اسلام از جا برخاسته و حرکت را آغاز کرده و بازوان خود را باز کرده است و به مسلمانان امید و به مستضعفان نوید می‌دهد؛ و این هم خواهد شد. اگر مشکلاتی بر اثر نفوذ ابرقدرتهاست، برطرف می‌شود .

---

الدّینَ اُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ اِلاَّ أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللهِ كَثِيراً ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ۗ اِنَّ اللهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

ترجمه: همانها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

<sup>۴۱</sup> سوره مبارکه الحج آیه ۲۷

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

ترجمه: و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دوری بسوی تو بیایند...

<sup>۴۲</sup> سوره مبارکه الحج آیه ۴۰

الدّینَ اُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ اِلاَّ أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللهِ كَثِيراً ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ۗ اِنَّ اللهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

ترجمه: همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

<sup>۴۳</sup> سوره مبارکه الانبیاء آیه ۱۰۵

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

ترجمه: در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»

<sup>۴۴</sup> سوره مبارکه الأعراف آیه ۱۲۸

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْعَبُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا ۗ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

ترجمه: موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!»

<sup>۴۵</sup> سوره مبارکه التوبة آیه ۳۳

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

ترجمه: او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

جامعه‌ی ما که ام‌القرای اسلامی و مرکز توجهات جهانی اسلام است، ان‌شاء‌الله طبق وعده‌ی الهی، با همان شکلی که اسلام خواسته، به صورت کامل - که ما از آن صورت کامل هنوز خیلی فاصله داریم - ساخته خواهد شد و به آن‌جا خواهیم رسید. اینها، وعده‌ی الهی است. وقتی این وعده‌ی اول تحقق پیدا کرد، شما باید دل‌هایتان را محکم و یقین‌هایتان را کامل کنید که وعده‌های بعدی و بزرگتر هم - که مضمون آیات کریمه‌ی قرآن است - تحقق پیدا خواهد کرد. راهش این است که ما مجاهدت را از دست ندهیم<sup>۴۶</sup>.

---

<sup>۴۶</sup> حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۶۹/۶/۲۶